

استعدادهای روحانی

¹ در پی محبت بکوشید و عطایای روحانی را به غیرت بطلبید، خصوصاً اینکه نبوت کنید.² زیرا کسی که به زبانی سخن می‌گوید، نه به مردم بلکه به خدا می‌گوید، زیرا هیچ‌کس نمی‌فهمد لیکن در روح به اسرار تکلم می‌نماید.³ اما آنکه نبوت می‌کند، مردم را برای بنا و نصیحت و تسلی می‌گوید.⁴ هرکه به زبانی می‌گوید، خود را بنا می‌کند، اما آنکه نبوت می‌نماید، کلیسا را بنا می‌کند.⁵ و خواهش دارم که همه شما به زبانها تکلم کنید، لکن بیشتر اینکه نبوت نمایید زیرا کسی که نبوت کند بهتر است از کسی که به زبانها حرف زند، مگر آنکه ترجمه کند تا کلیسا بنا شود.⁶ اما الحال، ای برادران، اگر نزد شما آیم و به زبانها سخن رانم، شما را چه سود می‌بخشم؟ مگر آنکه شما را به مکاشفه یا به معرفت یا به نبوت یابه تعلیم گویم.⁷ و همچنین چیزهای بیجان که صدا می‌دهد چون نی یا بربط اگر در صداها فرق نکنند، چگونه آواز نی یا بربط فهمیده می‌شود؟⁸ زیرا اگر گرتا نیز صدای نامعلوم دهد، که خود را مهیای جنگ می‌سازد؟⁹ همچنین شما نیز اگر به زبان، سخن مفهوم نگویند، چگونه معلوم می‌شود آن چیزی که گفته شد زیرا که به هوا سخن خواهید گفت؟¹⁰ زیرا که انواع زبانهای دنیا هر قدر زیاده باشد، ولی یکی بی معنی نیست.¹¹ پس هرگاه قوت زبان را نمی‌دانم، نزد متکلم بربری می‌باشم و آنکه سخن گوید نزد من بربری می‌باشد.¹² همچن شما نیز چونکه غیور عطایای روحانی هستید، بطلبید اینکه برای بنای کلیسا افزوده شوید.¹³ بنابراین کسی که به زبانی سخن می‌گوید، دعا بکند تا ترجمه نماید.¹⁴ زیرا اگر به زبانی دعا کنم، روح من دعا می‌کند لکن عقل من برخوردار نمی‌شود.¹⁵ پس مقصود چیست؟ به روح دعا خواهم کرد و به عقل نیز دعا خواهم نمود؛ به روح سرود خواهم خواند و به عقل نیز خواهم خواند.¹⁶ زیرا اگر در روح تترک می‌خوانی، چگونه آن کسی که به مَترِلَتِ اُمّی است، به شکر تو آمین گوید و حال آنکه نمی‌فهمد چه می‌گویی؟¹⁷ زیرا تو البته خوب شکر می‌کنی، لکن آن دیگر بنا نمی‌شود.¹⁸ خدا را شکر می‌کنم که زیاده از همه شما به زبانها حرف می‌زنم.¹⁹ لکن در کلیسا بیشتر می‌پسندم که پنج کلمه به عقل خود گویم تا دیگران را

نیز تعلیم دهم از آنکه هزاران کلمه به زبان بگویم.²⁰ ای برادران، در فهم اطفال مباحثید بلکه در بدخوی اطفال باشید و در فهم رشید.²¹ در تورات مکتوب است: که خداوند می‌گوید به زبانهای بیگانه و لبهای غیر به این قوم سخن خواهم گفت و با این همه مرا نخواهند شنید.²² پس زبانها نشانی است نه برای ایمانداران بلکه برای بی‌ایمانان؛ اما نبوت برای بی‌ایمان نیست بلکه برای ایمانداران است.²³ پس اگر تمام کلیسا در جایی جمع شوند و همه به زبانها حرف زنند و اُمّیان یا بی‌ایمانان داخل شوند، آیا نمی‌گویند که دیوانه اید؟²⁴ ولی اگر همه نبوت کنند و کسی از بی‌ایمانان یا اُمّیان درآید، از همه توبیخ می‌یابد و از همه ملزم می‌گردد،²⁵ و خفایای قلب او ظاهر می‌شود و همچنین به روی درافتاده، خدا را عبادت خواهد کرد و ندا خواهد داد که فی‌الحقیقه خدا در میان شما است.²⁶ پس، ای برادران، مقصود این است که وقتی که جمع شوید، هریکی از شما سرودی دارد، تعلیمی دارد، زبانی دارد، مکاشفهای دارد، ترجمهای دارد، باید همه بجهت بنا بشود.²⁷ اگر کسی به زبانی سخن گوید، دو دو یا نهایت سه سه باشند، به ترتیب و کسی ترجمه کند.²⁸ اما اگر مترجمی نباشد، در کلیسا خاموش باشد و با خود و با خدا سخن گوید.²⁹ و از انبیا دو یا سه سخن بگویند و دیگران تمیز دهند.³⁰ و اگر چیزی به دیگری از اهل مجلس مکشوف شود، آن اول ساکت شود.³¹ زیرا که همه می‌توانید یکیک نبوت کنید تا همه تعلیم یابند و همه نصیحت پذیرند.³² و ارواح انبیا مطیع انبیا می‌باشند.³³ زیرا که او خدای تشویش نیست بلکه خدای سلامتی.

زنان در کلیسای

⁰ چنانکه در همه کلیساهای مقدّسان،³⁴ و زنان شما در کلیساها خاموش باشند زیرا که ایشان را حرف زند جایز نیست بلکه اطاعت نمودن، چنانکه تورات نیز می‌گوید.³⁵ اما اگر می‌خواهند چیزی بیاموزند، در خانه از شوهران خود بپرسند، چون زنان را در کلیسا حرف زند قبیح است.³⁶ آیا کلام خدا از شما صادر شد یا به شما به تنهایی رسید؟³⁷ اگر کسی خود را نبی یا روحانی پندارد، اقرار بکند که آنچه به شما می‌نویسم، احکام

تکلم نمودن به زبانها منع مکنید.⁴⁰ لکن همه چیز به خداوند است.³⁸ اما اگر کسی جاهل است، جاهل شایستگی و انتظام باشد.³⁹ پس ای برادران، نبوت را به غیرت بطلبید و از